

لایحه مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات) (اعاده شده از شورای نگهبان)

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۱۰/۱۲)	نظرات شورا (۱۳۹۰/۰۸/۲۶)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹) (۱۳۸۹/۱۲/۲۸) (۱۳۸۹/۰۹/۰۱)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
عبارت «در حدود، قصاص و تعزیرات» بعد از عبارت «مسئولیت کیفری» در سطر اول اضافه شد.	۱_ ماده (۱۳۹)، نظر به اینکه در مورد دیات نیز قضیه موهوم عدم مسئولیت کیفری است، بنابراین مناسب است ابهام مذکور به نحوی مرتفع گردد.	ماده (۱۳۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۳۹_ <u>مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم (قصاص) آمده است.</u>	۲۲_ عموم ماده (۱۳۹)، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۱۳۹_ مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد.
<u>تبصره ماده (۲۶۵) به شرح ذیل اصلاح گردید:</u> تبصره_ خوردن <u>فقاح (آب جو مسکر)</u> موجب حد است هر چند مستی نیاورد.	۲_ در تبصره ماده (۲۶۵)، عبارت به این نحو اصلاح گردد: «خوردن فقاح (آب جو) موجب حد است هر چند مستی نیاورد.» تا اشکال رفع شود.	ماده (۲۶۵) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۲۶۵_ مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن <u>کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است.</u> تبصره_ خوردن آب جو (مسکر) موجب حد است هر چند مستی نیاورد.	۵۰_ تبصره ماده (۲۶۵) مبهم است اگر شامل فقّاح شود، خلاف موازین شرع است.	ماده ۲۶۵_ مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن موجب حد است؛ کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند. تبصره_ خوردن آب جو تنها زمانی موجب حد است که مسکر باشد.
عبارت «بر مبناء نظریه سیاسی» حذف گردید.	۳_ قید «بر مبنای نظریه سیاسی» در ماده (۲۸۸)، خلاف موازین شرع شناخته شد.	***	***	ماده ۲۸۸_ گروهی که بر مبناء نظریه سیاسی در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح، اعضاء آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.
<u>بند (۲) ماده (۲۹۲) به شرح زیر اصلاح گردید:</u> ۲_ هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۳) این قانون است به مجنی علیه وارد کند،	۴_ در بند (۲) ماده (۲۹۲)، در خصوص محقون الدم، اشکال رفع نگردیده است.	بند (۲) ماده (۲۹۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۲_ هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان است به مجنی علیه	۵۳_ در جزء (۲) ماده (۲۹۲) عبارت «به دیگری وارد کند» اشکال دارد باید به همان شخص و یا شیء مورد نظر وارد کند و همچنین باید عبارت «محقون الدم» به موارد مذکور در این ماده اضافه شود.	ماده ۲۹۲_ جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می‌شود: ۱_ هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده را نداشته باشد، جز در مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد. ۲_ هرگاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان است به دیگری وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۱۰/۱۲)	نظرات شورا (۱۳۹۰/۰۸/۲۶)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
سپس خلاف آن معلوم گردد.		وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.		۳_ هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر این که تقصیر، نوعاً سبب وقوع جنایت نبوده باشد.
<p><u>بند (۱) ماده (۳۰۳) به شرح زیر اصلاح گردید:</u></p> <p><u>۱_ مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات یا قطع عضو مشروط به برابری جنایت با همان عضو قطع شده</u></p>	<p>***</p> <p><u>ماده (۳۰۳) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۳۰۳_ در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب مشمول مجازات قصاص نمی شود:</p> <p><u>۱_ مرتکب جرم حدی مستوجب اعدام</u></p> <p><u>۲_ مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن</u></p> <p><u>۳_ دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۵)</u></p> <p><u>این قانون در برابر متجاوز</u></p> <p><u>۴_ زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیرموارد اکراه و اضطرار به شرح مقرر در قانون</u></p> <p><u>تبصره ۱_ اقدام در مورد بندهای (۱) و (۲) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود.</u></p> <p><u>تبصره ۲_ در مورد بند (۳) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص، منتفی است. لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود.</u></p>	<p>۵۷_ در بند (۳) ماده (۳۰۳) باید عبارت «بشرح مقرر در ماده (۱۵۵) این مصوبه» اضافه شود، همچنین در صورتی که نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود مجازات آن قصاص نیست. بلکه حسب مورد مجازات دیگری «دیه و تعزیر» دارد، همچنین اطلاق بند (۴) این ماده که شامل حالت اکراه و اضطرار نیز می شود، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۳۰۳_ در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب مشمول مجازات قصاص نمی شود:</p> <p><u>۱_ کسی که مرتکب جرم حدی موجب اعدام شده است.</u></p> <p><u>۲_ کسی که مستحق قصاص نفس یا عضو است، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن.</u></p> <p><u>۳_ متجاوزی که دفاع در برابر او قانوناً مشروع است.</u></p> <p><u>۴_ زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه به شرح مقرر در قانون.</u></p> <p><u>تبصره_ اقدام در خصوص بندهای (۱) و (۲) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم این قانون محکوم خواهد شد.</u></p>	<p>ماده ۳۱۱_ هرگاه غیر مسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر، تفاوتی میان ادیان، فرقه ها و گرایشهای فکری نیست. اگر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد، بر غیر مسلمانی که ذمی، مستأمن یا معاهد نیست</p>
	***	***	***	

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۱۰/۱۲)	نظرات شورا (۱۳۹۰/۰۸/۲۶)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۸/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>عبارت «مجنی علیه غیر مسلمان باشد و» بعد از حرف «اگر» اضافه گردید.</p>				<p>جنایتی وارد کند، قصاص نمی‌شود. در این صورت مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.</p> <p>تبصره ۱_ غیرمسلمانانی که ذمی، مستأمن یا معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین ومقررات وارد کشور شده‌اند، در حکم مستأمن می‌باشند.</p> <p>تبصره ۲_ اگر مرتکب پیش از اجرای قصاص، مسلمان شود، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات»، محکوم می‌شود.</p>
<p>عبارت «به نسبت تعداد شرکاء» قبل از کلمه «بپردازد» در سطر آخر اضافه شد.</p> <p>تبصره به شرح ذیل اصلاح گردید:</p> <p>تبصره_ اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکاء باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص شونندگان به جهت گذشت یا مصالحه برخی شرکاء، بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شونندگان بپردازد.</p>	<p>۵_ در ماده (۳۷۴) و تبصره آن، مقصود از سهم جنایت هر یک از شرکاء باید روشن شود تا اظهار نظر گردد. (در این خصوص به مسأله (۴۵) القول فی الواجب از کتاب قصاص تحریر الوسیله مراجعه شود.)</p>	<p>به نظر کمیسیون در ماده (۳۷۴) ابهامی دیده نشد.</p>	<p>۶۷_ در ماده (۳۷۴) و تبصره آن، مقصود از سهم جنایت هر یک از شرکاء باید روشن شود تا اظهار نظر گردد. (در این خصوص به مسأله (۴۵) القول فی الواجب از کتاب قصاص تحریر الوسیله مراجعه شود.)</p>	<p>ماده ۳۷۴_ در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکاء در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید فوراً سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا این که همه شریکان یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر این که دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص شونندگان بپردازد. اگر قصاص شونندگان همه شریکان نباشند، هر یک از شریکان که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را بپردازد.</p> <p>تبصره_ اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شریکان باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کرده یا با آنان مصالحه نموده باشد، در صورتی که دیه قصاص شونندگان، بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شونندگان بپردازد.</p>
<p>اصل ماده (۳۸۰) به شرح زیر جایگزین گردید:</p> <p>ماده ۳۸۰_ هرگاه کسی دیگری را به رفتاری</p>	<p>۶_ ماده (۳۸۰)، این ماده به نحوی که اصلاح شده اشکال دارد، اصل مصوبه قبلی ابقاء</p>	<p>ماده (۳۸۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۳۸۰_ هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد،</p>	<p>۶۸_ اطلاق ماده (۳۸۰) در مواردی که مکره علم به وقوع قتل دارد که این رفتار</p>	<p>ماده ۳۸۰_ هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۱۰/۱۲)	نظرات شورا (۱۳۹۰/۰۸/۲۶)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p><u>اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شوند</u> <u>گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده</u> <u>قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت</u> <u>بر او را نداشته و آگاهی و توجه به این که این</u> <u>اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می شود نیز</u> <u>نداشته باشد که در این صورت جنایت</u> <u>شبه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت</u> <u>دیه محکوم می شود.</u></p>	<p>گردد.</p>	<p>جنایت عمدی است و بر اکراه کننده <u>دیه ثابت</u> <u>است.</u></p>	<p><u>موجب جنایت می شود، خلاف</u> <u>موازین شرع شناخته شد.</u> (به مساله ۳۸ <u>القول فی الموجب</u> <u>تحریر الوسیله توجه شود.</u>)</p>	<p><u>قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر</u> <u>او را نداشته و آگاهی و توجه به این که این اکراه</u> <u>نوعاً موجب جنایت بر او می شود نیز نداشته</u> <u>باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است</u> <u>و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می شود.</u></p>
<p><u>در سطر ماقبل آخر بعد از عبارت «به تأخیر</u> <u>می افتد» جمله «و در صورت رویش دندان</u> <u>یکصدم دیه پرداخت می شود» اضافه گردید.</u></p>	<p>۷_ ماده (۴۱۴)، در مورد صغیر باید اضافه گردد «در صورت رویش دندان برای هر دندان یک شتر دیه داده شود.»</p>	<p><u>ماده (۴۱۴) به شرح زیر اصلاح می شود:</u> ماده ۴۱۴_ اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود، چنانچه تا زمان قصاص، دندان سالمی به جای آن برآید، مرتکب قصاص نمی شود و به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «<u>تعزیرات</u>» و ارش جراحت و مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده است محکوم می شود. اگر دندان جدید معیوب باشد، مرتکب افزون بر محکومیت های مذکور، به پرداخت ارش عیب نیز محکوم می شود. اگر مجنی علیه کودک باشد، صدور حکم به مدت متعارف برای رویدن دندان به تأخیر می افتد. اگر مجنی علیه در این مدت فوت کند، مرتکب افزون بر تعزیر مذکور، به پرداخت دیه محکوم می شود.</p>	<p>۷۶_ در ماده (۴۱۴) پرداخت خسارت درمان با توجه به محکومیت به ارش جراحت، <u>خلاف موازین شرع شناخته</u> <u>شد، و عبارت «با درخواست</u> <u>ولی» زائد است. علاوه بر این</u> <u>عبارت «در صورت ارش دندان</u> <u>برای هر دندان یک شتر دیه</u> <u>داده شود.» باید به این ماده</u> <u>اضافه شود.</u> (به مساله ۳۷ قصاص مادون النفس تحریر الوسیله مراجعه شود.)</p>	<p>ماده ۴۱۴_ اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود، چنانچه تا زمان قصاص، دندان سالمی به جای آن برآید، مرتکب قصاص نمی شود و به تعزیر مقرر در کتاب پنجم این قانون و پرداخت خسارت درمان و ارش جراحت و مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده است محکوم می شود. اگر دندان جدید معیوب باشد، مرتکب افزون بر محکومیت های مذکور، به پرداخت ارش عیب نیز محکوم می شود. اگر مجنی علیه کودک باشد، با درخواست ولی او صدور حکم به مدت متعارف برای رویدن دندان به تأخیر می افتد. اگر مجنی علیه در این مدت فوت کند، مرتکب افزون بر تعزیر مذکور، به پرداخت دیه محکوم می شود.</p>
<p><u>ماده (۵۰۹) به شرح زیر اصلاح گردید:</u> ماده ۵۰۹_ هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب <u>حادثه</u>، علل قهری همچون زلزله و سیل <u>نبوده و مستند به راننده باشد</u>، راننده ضامن دیه است. <u>چنانچه وقوع حادثه مستند به</u></p>	<p>۸_ در ماده (۵۰۹)، <u>ابهام مذکور</u> <u>کماکان به قوت خود باقی است.</u></p>	<p><u>ماده (۵۰۹) به شرح زیر اصلاح می شود:</u> ماده ۵۰۹_ هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نباشد راننده ضامن دیه <u>است.</u></p>	<p>۲۲_ در ماده (۵۰۹) همان ایراد ماده (۴۵۶) در مورد خسارات وجود دارد. و در مورد اینکه آیا شامل مواردی می شود که منشأ حادثه نقص فنی مخفی مستند به عمل دیگری از قبیل کارخانه سازنده و یا تعمیر کار باشد را نیز می شود یا خیر ابهام</p>	<p>ماده ۵۰۹_ هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب علل قهری همچون زلزله و سیل نباشد راننده ضامن دیه و سایر خسارات خواهد بود.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۱۰/۱۲)	نظرات شورا (۱۳۹۰/۰۸/۲۶)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
شخص حقیقی یا حقوقی دیگری باشد آن شخص ضامن است.			دارد، پس از رفع ابهام اظهارنظر می‌شود.	
<p><u>ماده (۶۶۵) به شرح زیر اصلاح گردید:</u></p> <p>ماده ۶۶۵_ افضاء همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است:</p> <p><u>الف_ هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، دیه کامل زن باید پرداخت شود.</u></p> <p><u>ب_ هرگاه همسر، نابالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده زوج است هر چند او را طلاق داده باشد.</u></p> <p>تبصره_ افضاء عبارت از یکی شدن دو مجرای بول و حیض یا حیض و غائط است.</p>	<p>۹_ قسمت اخیر بند (الف) ماده (۶۶۵) ایجاب پرداخت نفقه زوجه بالغه افضاء شده تا زمان وفات به نحو مذکور، خلاف فتوای حضرت امام (علیه‌رحمه) است. (به مسئله ۱۲ کتاب النکاح تحریرالوسیله مراجعه شود)</p> <p>۱۰_ در بند (ج) ماده (۶۶۵) با اصلاح به عمل آمده اشکال رفع نگردیده است، باید مقید به افضاء از طریق مقاربت گردد و الاً خلاف موازین شرع می‌باشد.</p>	<p><u>ماده (۶۶۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p>ماده ۶۶۵_ افضاء همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است:</p> <p>الف_ هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد ، علاوه بر تمام مهری که به موجب عقد نکاح لازم شده است، نفقه زوجه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین برعهده زوج است.</p> <p>ب_ هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، دیه کامل زن باید پرداخت شود.</p> <p>پ_ هرگاه همسر، نابالغ باشد علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن ، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده زوج است <u>هر چند او را طلاق داده باشد.</u></p> <p>تبصره _ افضاء عبارت از یکی شدن دو مجرای بول و حیض یا حیض و غائط است.</p>	<p>۷۲_ در بند (الف) ماده (۶۶۵) ایجاب پرداخت نفقه زوجه به نحو مذکور، خلاف موازین شرع است. (به کتاب النکاح تحریرالوسیله از جمله مساله ۱۲ آن مراجعه شود).</p> <p>۷۳_ در بند (ب) ماده (۶۶۵) عبارت «علاوه بر تمام مهر» و کلمه «نیز»، باید حذف شود، زیرا مهر در این خصوص تابع مقررات مربوط به خود است.</p> <p>۷۴_ در بند (ج) ماده (۶۶۵) اطلاق پرداخت نفقه در غیر مورد مقاربت، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۶۶۵_ افضاء همسر، به ترتیب ذیل موجب ضمان است:</p> <p>الف) هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد، علاوه بر تمام مهری که به موجب عقد نکاح لازم شده است، نفقه زوجه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین برعهده زوج خواهد بود، هر چند همسر خود را طلاق داده باشد.</p> <p>ب) هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، علاوه بر تمام مهر، دیه کامل زن نیز باید پرداخت شود.</p> <p>ج) هرگاه همسر، نابالغ باشد، علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین، برعهده زوج خواهد بود، خواه افضاء از طریق مقاربت باشد خواه غیر آن.</p> <p>تبصره_ افضاء عبارت است از یکی شدن دو مجرای بول و حیض، یا حیض و غائط.</p>

تذکرات: (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)	تذکرات: (۱۳۹۰/۰۸/۲۶)
<p>۱_ بند (۴) ماده (۳۹) ظاهراً منظور «همان سابقه کیفری مؤثر» است، عبارت اصلاح شود.</p> <p>۲_ تعریف «اقرار» در ماده (۱۶۳) ناقص است، باید اصلاح گردد.</p> <p>۳_ تعریف «سوگند» در ماده (۲۰۰) ناقص است، باید اصلاح گردد.</p> <p>۴_ در ماده (۲۰۵) عبارت «و یا ادا کننده سوگند قادر به تکلم نباشد» زاید است، حذف شود.</p> <p>۵_ در تبصره ماده (۲۱۰) عبارت «علم استنباطی» تعریف شناخته شده نیست.</p> <p>۶_ در ذیل تبصره (۲) ماده (۲۱۴) کلمه «امانت» اصلاح شود.</p> <p>۷_ در ماده (۲۱۶) منظور از کلمه «تهیه» همان کلمه «تصویب» است، باید اصلاح شود.</p> <p>۸_ ماده (۶۳) قانون مجازات فعلی جایگزین ماده (۲۲۲) گردد.</p> <p>۹_ در موارد فوق ماده (۲۲۸) که ناظر به اعدام است باید استثناء شود.</p> <p>۱۰_ تعریف «مباحقه» در ماده (۲۳۸) ناقص است، باید اصلاح شود.</p>	<p>۱_ در ماده (۱۰۲)، «از» حذف گردد.</p> <p>۲_ با عنایت به عدم توجه به تعداد متناهی از تذکرات معموله، مجدداً نظر مبارک را به موارد مذکور جلب می‌نماید.</p>

۱۱_ عبارت ماده (۲۶۴) باید اصلاح شود.

۱۲_ در بند (۷) ماده (۲۶۹) بعد از کلمه «مسکوک» باید کلمه «رایج» ذکر شود. و در این ماده باید تصریح شود، ربودن که از باب تقاض باشد موجب حدّ سرقت نیست.

۱۳_ در جزء (۱) ماده (۲۹۱) عبارت «یک» حذف گردد.

۱۴_ در ذیل ماده (۳۰۸) بعد از عبارت «موجب ارتکاب» کلمه «آن» باید اضافه شود.

۱۵_ در ماده (۳۷۹) بعد از عبارت «ثابت شود» عبارت «دادگاه بررسی‌های لازم را معمول و در صورت عدم اثبات اکراه با سوگند» آورده شود.

۱۶_ در ماده (۳۸۲) بعد از عبارت «در غیر این صورت» عبارت «حسب مورد» اضافه شود.

۱۷_ در ماده (۳۸۵) باید عبارت «دپّه بر قاتل است» آورده شود.

۱۸_ در ماده (۳۸۶)، اگر قتل در یکی از ماههای حرام باشد فاضل دپّه تغلیظ نمی‌شود، باید اصلاح شود. با توجه به مسأله ۲۳ تحریرالوسیله در بحث القول فی مقادیرالدیات عبارت «ارتکاب در حرم مکه معظمه» نیز اضافه شود.

۱۹_ در ماده (۳۸۷) بعد از عبارت «در غیر این صورت» عبارت «حسب مورد» اضافه شود.

۲۰_ با توجه به اینکه کتاب پنجم این قانون هنوز تصویب نشده است، ارجاع به آن در مواد این مصوبه موجه نمی‌باشد.

تذکرات: (۱۳۸۹/۰۹/۰۱)

۱_ در ماده (۴۳۹) عبارت «ولی‌دم نمی‌تواند وی را دوباره قصاص نفس کند، ...» به عبارت «ولی‌دم حق قصاص او را دارد لکن باید ابتدا قاتل حق خود را استیفاء، مصالحه یا گذشت کند» اصلاح شود.

۲_ در ذیل ماده (۴۴۵) بی‌هوشی یا بی‌حسی یا عدم آنها حق جانی است.

۳_ در ماده (۴۴۹)، ذکر مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) ارتباطی به این قانون ندارد.

۴_ در ماده (۴۵۱) قبل از عبارت «با جلب نظر کارشناس» عبارت «در صورت لزوم» اضافه شود.

۵_ در ماده (۴۶۱) باید به فصل چهارم ادله اثبات در خصوص سوگند ارجاع داده شود.

۶_ در ماده (۴۸۸) عبارت «علیه شخص یا اشخاص معینی» حذف شود.

۷_ در ماده (۴۹۰) کلمه «مجری» زائد است، باید حذف شود.

۸_ در صورت انفصال یا اخراج کسر از حقوق در ماده (۴۹۰) معنی ندارد.

۹_ در ماده (۴۹۲) بجای کلمه «باشند» کلمه «باشد» صحیح است.

۱۰_ قید ناشناسی در تبصره (۱) ماده (۵۱۸) لازم نیست.

۱۱_ تبصره ماده (۵۲۳) باید قید گردد در مواردی که در ماده حکم به ضمان شده است.

۱۲_ در بند (ب) ماده (۵۴۳) کلمه «مسری» باید اصلاح گردد.

۱۳_ ماده (۵۵۷) در صدر ماده آورده شود این احکام مربوط به مسلمانان است.

۱۴_ در تبصره ماده (۵۵۹) عبارت «غروب آفتاب» به عبارت «مغرب شرعی» اصلاح شود.

۱۵_ در ماده (۵۹۷) سطر سوم عبارت «موجب یک دهم دپّه کامل» اصلاح شود.

۱۶_ در ماده (۶۱۰) عبارت «هرکدام دپّه جداگانه‌ای خواهد داشت» به عبارت «حسب مورد هر کدام دپّه یا ارش جداگانه دارد» اصلاح شود.

۱۷_ عبارت ماده (۶۳۸) به عبارت «فلج کردن فک پایین دوسوم دپّه آن و قطع فک فلج شده یک سوم دپّه فک را دارد» اصلاح گردد.

۱۸_ در ماده (۶۴۰) با توجه به تبصره ماده (۶۴۱) حکم قطع قسمتی از کف دست باید مشخص شود.

۱۹_ لازم است ماده (۶۵۰) همانند بحث الرجلان تحریرالوسیله بنحو روشن تنظیم گردد.

۲۰_ در بند (ه) ماده (۶۵۱) کلمه «ولی» در عبارت «ولی توان راه رفتن از بین نرود» به کلمه «ولو» اصلاح گردد.

۲۱_ در ماده (۶۷۰) کلمه قطع قبل از عبارت «از بین بردن بخشی از آن» آورده شود.

۲۲_ در ماده (۷۱۹) حرف «و» اضافه است.

اداره قوانین شورای نگهبان

۱۳۹۰/۱۰/۱۲